افسانهٔ ملک یوحنا (پریستر جان) در اروپا و نقش آن در رویکرد اروپاییان به مغولان

کریم فرجی قرابقلو [۱] علی سالاری شادی[۲] محمد رحیم ربانی زاده[۳] مهسا ویسی [٤]

چکیده

بعد از آنکه اروپایی‌ها در جنگ‌های صلیبی نتوانستند به اهداف سیاسی و دینی خود در مقابل دنیای اسلام دست یابند، در میانهٔ جنگ‌های صلیبی به داستان‌های آرزواندیشانه جهت مواجهه با دنیای اسلام روی آوردند. یکی از مهم‌ترین این داستان‌ها افسانهٔ ملک یوحنای منجی در شرق بود، در این داستان ملک یوحنا راهبی بود که از مشرق‌زمین ظهور می‌کرد تا سرزمین‌های مقدس را از دست مسلمانان خارج سازد و مسیحیان را نجات دهد. این داستان افسانه‌ای هم‌زمان با ظهور مغولان، جوامع اروپایی را تحت‌تأثیر خود قرار داد به‌گونه‌ای که دنیای مسیحیت ابتدا تصور می‌کرد مغولان از تبار ملک یوحنای مسیحی هستند. حال مسئله این نوشته آن است که افسانه ملک یوحنا تحت چه شرایطی مطرح گردید وآن در مناسبات اروپاییان با مغولان بخصوص پس از ناکامی‌های جنگ‌های صلیبی چه نقشی ایفا نمود؟ روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر توصیف و تحلیل خواهد بود دستاوردهای تحقیق حاکی از آن است که اروپایی‌ها تحت‌تأثیر افسانه ملک یوحنا نتوانستند شناخت خوبی نسبت به مغولان داشته باشند و این موضوع مناسبات سیاسی آنان با مغولان را با مشکلات جدی مواجه نمود.

کلیدواژه‌ها: ملک یوحنا، مسیحیت، اروپایی‌ها، مغولان، اسلام.

طرح مسئله

سابقهٔ تقابل تمدنی میان غرب با شرق به قبل از اسلام بازمی‌گردد. غربیان هیچ‌گاه مردمان مشرق‌زمین را به‌عنوان یک شریک هم‌طراز مناسباتی و تمدنی به‌حساب نمی‌آوردند (Sharrock and Rhinnaon,

۱ – دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام ،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،تهران،ایران (نویسنده مسئول) farajik13@yahoo.com

۲ – دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی alisalarishadi@yahoo.com

۳ – استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی rabbanizadeh@ihcs.ac.ir

٤ – استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی mahsaveisi@yahoo.com

2002: 49). همین رویکرد به‌مرور برای غربیان تبدیل به یک گفتمان تاریخی شد (Tritle , 2006: 220). این گفتمان تاریخی همواره در پی تقلیل جایگاه فرهنگی ملل مشرق زمین در تمدن جهانی بوده است. در واقع در این گفتمان، شرق در مقایسه با غرب، غیرمتمدن، مرموز و متعصب شناخته می‌شود (Mabilat 2006:1؛ بارتولد، ۱۳۵۱: ۲۷) باوجود چنین رویکردی از سوی غربیان نسبت به شرق، در دورهٔ باستان و بعد از رسمیت یافتن مسیحیت در اروپا، غربیان همواره در پی نفوذ و سلطه بر سرزمین‌های مشرق‌زمین با استفاده از جنگ‌های نظامی و فعالیت‌های مذهبی بودند (Dignas and Winter,2007:147). در اواخر حکومت ساسانی، مسیحیت یکتاز میدان مبارزه با سایر اعتقادات موجود در شرق بود (پیگولوسکایا،۱٦٤:۱۳۹٤). در این دوره به دلیل اینکه دین زرتشت از قدرت و ظرفیت بسیج‌کردن نیروهای سیاسی و اجتماعی خود علیه مدعیان خارجی برخوردار نبود (Sebeos, 1999: 8)مسیحیت توانست تا حدی بدون رقیب به‌عنوان مذهبی تبشیری و تبلیغی به موفقیت‌های بیشتری دست یابد.

باقدرت گیری اسلام در شرق، یک چالش تمدنی برای غرب و دنیای مسیحیت ایجاد شد. غربی‌ها با دین و حکومتی در مشرق‌زمین روبرو شدند که خود داعیه جهانی، تبشیری و تبلیغی و به‌تبع آن توسعه‌طلبانه داشت وآن را امری مقدر و در راستای تکلیف دینی خود می‌شمرد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۷۲؛ ابن هشام، بی تا:٥١٦؛ طبری،۱۳۷۵: ۱۷۷۵/۵–۱۷۷٦؛ بلاذری، ۱۳٦۷: ۱۵۹؛ اشپولر،۱۳٦۹: ۷/۱؛گامبریچ، ۱۳۹۰: ۱٦٦) این قدرت نوظهور در شرق، هیچ بیم و ترسی از تلاش برای گسترش دین و حکومتش و نیز به چالش کشیدن تمام منافع دنیای مسیحی در مشرق‌زمین و حتی اروپا به خود راه نمی‌داد (یعقوبی، ۱٦۱/۱۳۸۲:۲–۱٦۰؛ ابن خلدون، ۱۳٦۳: ۲ /۱۲؛ طقوش،۱۳۸۳: ۱۰۸ و ۱۷٦؛مسعودی،۱۳۸۷: ٤٥٥/۲). در این میان اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی / سده اول هجری، بزرگ‌ترین فرصت تاریخی را در یک مقطع مهم از دستان مسیحیت در شرق مدیترانه، شام، فلسطین، عراق و قلمرو ساسانی بخصوص غرب آن، شمال افریقا، آندلس و... خارج ساخت. این ضربه سخت خردکننده و غیرقابل‌جبران، اروپای مسیحی را دچار اندوهی تاریخی و بحران موقعیتی ساخت. بااین‌حال آنها حاضر نبودند این شکست را بپذیرند ؛ بلکه از هر فرصت و ظرفیتی برای جبران شکست و بازگرداندن ازدست‌رفته‌ها تلاش می‌کردند. ازاین‌رو دنیای مسیحیت به‌خاطر ازدست‌دادن آن موقعیت تاریخی به اسلام به‌عنوان رقیبی جدی و هماوردی همیشگی می‌نگریست (وات، ۱۳٦۱: ۱۳٤). مسیحیان در بسیاری از جنگ‌های تاریخی خود با مسلمانان در عهد خلفای راشدین، خلافت اموی و عباسی نتوانستند به توفیقات موردنظر دست یابند. این نبردها و مخاصمات همچنان تداوم یافت و هیچگاه قطع

نگردید. در ادامه این مخاصمات و نبردها، نبرد ملازگرد (٤٦٣هـ‌ق/١٠٧١م) اهمیت خاصی دارد(Page,2008:29؛ بارکر، ١٣٩٦: ٤٩). نبرد ملازگرد به‌مرور آناطولی (آسیای صغیر) را از دست مسیحیت خارج ساخت و بر جایگاه آنها یکی از بزرگ‌ترین امپراطوری‌های اسلامی و حتی جهانی؛ یعنی عثمانی ظهور و تشکیل یافت. حال از سوی دیگر منازعه اسلام و مسیحیت در سطح قاره‌ای از آسیا تا اروپا و آفریقا همچنان ادامه داشت ودر ادامه این منازعه و مخاصمه، اروپاییان و دنیای مسیحیت نیز اندلس را از تصرف مسلمانان خارج ساخت (ابن اثیر، ١٣٧١: ٢٦ /١٥٨؛ دورانت،١٣٦٧: ٦٩٤/٤). طی همین فرایند تخاصم و تنازع بود که اروپاییان به جنگ‌های صلیبی روی آوردند و برای مقابله با این مخاصمه تاریخی و جبران ازدست‌رفته‌های تاریخی، علناً نبردها را امری مقدس، دینی و جهادی برای غلبه بر کفار نامیدند. (شارتری، ١٣٦٣:١٣٩٣؛ مادن، ١٣٨٩: ٣٣؛ آگوبیاوو وهمکاران،١٣٥٧: ١٢١؛کاسمینسکی و همکاران،١٣٨٦:١٠٩؛ العقیقی، ١٣٦٩: ١ / ٢١). باآن‌همه تلاش در جنگ‌های صلیبی دستاورد سیاسی و ارضی بس ناچیزی داشت، هر چند در موارد دیگر خود تأثیر زیادی از آن پذیرفت. حال ازآنجایی‌که غربیان به جز برخی دستاوردهای کوتاه‌مدت در جنگ‌های صلیبی نتوانستند به آرزوهای دیرینهٔ خود در مشرق‌زمین دست یابند، به داستان‌های خیال‌پردازانه دربارهٔ چگونگی فتح سرزمین‌های مقدس و شکست مسلمانان در مشرق‌زمین روی آوردند. این نوع نگرش و رویکرد حاکی از آن بود که دنیای غرب و مسیحیت به این نبرد با شرق اسلام را یک رسالت ابدی برای خود تصور می‌کرد که هر زمان باید به‌نوعی زنده نگه داشته شود یکی از این داستان‌ها و افسانه، افسانهٔ ملک یوحنای منجی بود.این افسانه، معاصر با ظهور مغولان در شرق با وسعت جغرافیایی زیادی بار دیگر در میان غربیان بازنشر یافت. تأثیر داستان ملک یوحنا در ذهنیت اروپاییان به‌گونه‌ای بود که دهه‌ها مناسبات بین اروپاییان با مغول‌ها را تحت‌تأثیر خود قرار داد ازاین‌رو پژوهش حاضر ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری افسانهٔ ملک یوحنا، نقش آن را در جهت‌گیری نگاه اروپایی‌ها نسبت به مغولان و نیز تأثیر این داستان در ایجاد مناسبات اروپایی‌ها با مغولان و آرزو هایی که اروپاییان از آن داشتند، موردتوجه ویژه قرار داده است .

از نظرادبیات و پیشینه تحقیق باید خاطرنشان ساخت که پژوهشی مستقل وحتی مقدماتی درمورد نقش داستان ملک یوحنا در رویکرد اروپاییان نسبت به مغولان صورت نگرفته است. بااین‌حال گاهی در برخی از آثار تحقیقی-تاریخی به صورت پراکنده و درحد یک صفحه وحتی یک پاراگراف اشاراتی به داستان ملک یوحنا شده است،برخی از این آثارتحقیقی عبارتند از:«خاورشناسی در روسیه و اروپا» اثر واسیلی بارتولد،«تاریخ فتوحات مغول»نوشته ساندرز،«سفیران پاپ در دربارخانان مغول» تألیف دوراکه ویلتس، «امپراتوری

صحرانوردان»نوشتهٔ رنه گروسه، «تاریخ مغول در ایران»اثر برتولد اشپولر،کتاب«امپراطوری زرد (چنگیزخان و فرزندانش)» تألیف یواخیم بارکهاوزن و نیز کتاب «مغول‌ها» نوشتهٔ دیوید مورگان. البته در این میان گاهی مقالاتی مختصر با کلی گویی نیز به رشته تحریر در آمده است ازجمله مقاله ای ذیل عنوان« پرستر جان: داستان و تاریخ» نوشته بار ایلان است[5] در این نوشته به نقش و جایگاه داستان ملک یوحنا در مناسبات بین اروپا با مغولان پرداخته نشده است و نویسنده صرفاً به دنبال پاسخ به پرسش هایی جهت اثبات و یا رد برخی ازگمانه زنی ها مربوط به جغرافیای ظهور ملک یوحنا می باشد

۱-شکل گیری و زمینه های پیدایش افسانهٔ ملک یوحنا

همان‌گونه که از قبل خاطرنشان شد باقدرت گیری اسلام در شرق، چالش‌های تمدنی زیادی برای تمدن غرب ایجاد گردید. جنگ‌های پی‌درپی و طاقت‌فرسا فرصت ایجاد مناسبات سازنده در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بین این دو تمدن بزرگ را در آن دوران از بین برد (حنبلی،۱۳٦۸: ۱۲٦/۱؛ ابن خیاط،۱۹٦۷: ٤۸۵/۲؛ تاریخ آل سلجوق در آناطولی،۱۳٦۹: ۳۹) .در قرن هفتم هجری این برخورد تمدنی به اوج خود رسید. شکل این مواجههٔ تمدنی جدید(قرن هفتم) به گونه ای بود که برخی معتقدند که دگرگونی‌های ناشی از آن همهٔ رشته‌های پیوند سیاسی و تجاری بین دنیای غرب با شرق را دچار تغییرات وتحولات اساسی نمود و حتی پاره ای از پیوند ها گسیخته شد (بارکهاوزن،۱۳٤٦ :۲٤). در واقع با نشر مبانی و معارف اعتقادی اسلام در شرق ، آن میدان وسیع کنشگری عیسویان در گذشته در مشرق زمین از بین رفت (بارکهاوزن،۱۳٤٦ :۲٤؛ابراهیم حسن، ۱۳٦۲ : ۸۳۸) اسلام نه تنها فضا را برای میدان داری و نشر مسیحیت در شرق محدود کرده بود بلکه با فتوحات خود در اروپا، آنها را به تنگای خاصی کشاند.این فشار ها و صدمات به اروپا بگونه ای بود که حتی جنگ های صلیبی و لشکرکشی های متعدد اروپاییان نتوانست آن را جبران نماید (مادن ، ۱۳۸۹ : ۳۰۰ – ۳٦٤ ؛ مایر، ۱۳۷۱: ۹؛ آگیلی،۱۳۹۳: ۲۹۹؛ پالمر، ۱۳۸٦: ۱ / ۷۸). در ابتدای جنگهای صلیبی ،کلیسای مسیحی به دنبال تصویر سازی بسیار نامناسب از اسلام در میان اروپاییان بود. این موضوع به منازعات بیشتر تمدنی بین اسلام و مسیحیت دامن زد (لوبون،۱۳۸۷: ٤۱٤). ناکامی اروپاییان در جنگ های صلیبی این منازعات

5 - Bar-Ilan, Meir (1995) "Prester John: Fiction and History". In History of European Ideas, vol. 20

تمدنی را پیچیده تر از گذشته ساخت.در چنین شرایطی بود که مغولان به عنوان یک قدرت نوظهور دیگر در شرق سر بر آوردند.

به‌طورکلی ناکامی در جنگ‌های صلیبی و عدم وصول دنیای مسیحیت به آن نقشه‌ها و آرزو پردازی‌های خیالی باعث شد که داستان‌های حماسی و گاه افسانه‌ای مرتبط با این نزاع وتخاصم در میان اروپایی ها رواج یابد که یکی از این داستان‌ها افسانهٔ شاه ژان کشیش یا ملک یوحنا یا پرسترخان بود (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۸). این داستان در حین جنگ های صلیبی تأثیر بسیاری در جهت‌دادن امید به مسیحیان غربی برای پیروزی بر مسلمانان داشت. در واقع افسانهٔ ملک یوحنا از درون شکست و سرخوردگی‌های دنیای مسیحیت در برابر رقیب تاریخی خود یعنی دنیای اسلام ظهور و نشر یافت. این داستان تاریخی باعث شد که مسیحیان اروپا امیدوارانه به میدان جنگ با دنیای اسلام در سرزمین‌های شرقی و به‌ویژه سرزمین‌های مقدس نگاه کنند؛ اما داستان ملک یوحنا چه بود؟ و زمینه های شکل گیری این داستان در شرق چگونه بود ؟ چه مناسباتی میان این افسانه و ظهور مغولان وجود دارد؟

در باره داستان ملک یوحنای نجات‌بخش در اروپا روایت‌های مختلفی بیان می‌شد در این روایت‌ها مسائل و موضوعات گاهاً متضاد و متناقضی وجود داشت. یکی از تناقضات بسیار مشخص این داستان منشأ جغرافیایی و حوزه وسعت آن است (Bar-Ilan,1995:8)بر اساس یکی از روایت‌های غالب ملک یوحنا کشیشی است که از آسیای مرکزی حرکت می‌کند و برای کمک به سپاه صلیبیان روانهٔ بیت‌المقدس می‌شود؛ اما به دلیل نبود کشتی مجبور به بازگشت می‌شود و نمی‌تواند در جنگ علیه مسلمانان در کنار عیسویان حاضر شود (کارپن، ۱۳٦۳: ۱۱ – ۱۰). به‌هرحال وجود ملک یوحنا در شرق گونه ای امید برای صلیبی ها ایجاد کرد و آنان تصور می‌کردند که یک نیروی صلیبی نجات‌بخش در شرق وجود دارد که چنانچه فرصت یابد و امکانش فراهم آید به یاری مسیحیان خواهد آمد.

یکی دیگر از روایت‌هایی که در مورد ملک یوحنا در سال ۱۱٤٥ میلادی به اروپا رسید آن بود که ملک یوحنای کشیش در جنگ با سلاطین ایرانی پیروز شده و برای کمک به لشکر مسیحیان عازم بیت المقدس گردیده است گویا این داستان توسط یک اسقف کاتولیک شهر گابال به اروپا رسیده بود (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۸) با جدی شدن داستان مربوط به ملک یوحنا ، پاپ الکساندر دوم (۱۱۵۹ – ۱۱۸۱ میلادی/٥٥٤-٥٧٦هجری قمری) پیشوای مذهبی کلیسای کاتولیک و برخی از سران اروپا ترغیب شدند تا به هر شکلی شده این صلیبی

مسیحی در شرق را جستجو نمایند. از این رو پیشوای معنوی دنیای مسیحیت در اکتبر ۱۱۷۷ میلادی (۵۷۲هجری قمری) حکیم خاص خود به نام فیلیپ پزشک را روانه شرق کرد،این پزشک، به طرف سرزمین های مجهول آن‌سوی برج بابل که گفته میشد قلمروی ملک یوحنا پادشاه مسیحی سه هند بود ، حرکت کرد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۳) فیلیپ با نامۀ پاپ برای ملک یوحنا راهی شرق شد (بارتولد ، ۱۳۵۱ : ۷۸). غافل از آنکه این نامه هیچ گاه به دست منجی عالم مسیحیت در شرق نرسید. بعد از مأموریت فیلیپ حکیم ، نامه های ساختگی در سال ۱۱٦۵ میلادی از طرف ملک یوحنا به دست پاپ و سران اروپایی رسید (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۸) این نامه ها به حقیقت وجود کشیشی به نام ملک یوحنا کمک نمود و مسیحیان اروپا بیش از پیش به داستان ملک یوحنای صلیبی باورمند شدندهرچند برخی معتقدند این نامه ها در سر زمین ایتالیا نگاشته شده اند(Bar-Ilan,1995:5).

گذشته از نامه‌ها، این نسطوریان[٦] مسیحی بودند که بیشترین نقش را در ایجاد، توسعه، تبلیغ و انتقال این افسانه به اروپا داشتند. نسطوریان یکی از فِرَق بسیار فعال مسیحی در شرق بودند. در واقع فعالیت این فرقه بسیار بیشتر از فِرَق مسیحی دیگر مانند مارونی‌ها و یعقوبی‌ها بود. فرقۀ نسطوری انشعابی از مذهب ارتدوکس مسیحی بود. این فرقه از نظر کلیسای روم، ارتدادی محسوب می‌شد (مورگان، ۱۳۷۳: ۷۳) در دورۀ باستان به سبب آزار و اذیت کلیسای روم شرقی، مسیحیان نسطوری به سرزمین های حکومت ساسانی پناهنده شدند با توجه به تبشیر وتبلیغ نسطوریان این فرقه توانست موقعیت بسیار خوبی در شرق و از جمله آسیای میانه بدست آورد. مبشران نسطوری در پایان سدۀ یازدهم میلادی به درون جامعۀ تاتارهای مغولستان شرقی راه یافتند و توانستند پیروان و طرفدارانی را در میان مغولان پیدا کنند(اشپولر،۱۳٦۵ :۲۰٤؛ویلتس، ۱۳۵۳: ٤۱؛ بروکلمان،۱۳٤٦: ۳٤۵)در واقع درشمال شرق تاریم از «تورقان» گرفته تا «کوچا»(مسیر جاده ابریشم) وهمچنین در پایین شط سلنگا درجنوب دریاچۀ بایکال قبایل مغولی نسطوری زندگی می کردند(گروسه،۱۳٦۵: ۳۰۹ و۳۱۳) .تبلیغات گستردۀ نسطوریان باعث گردید که همزمان با ظهور مغولان، این تصور در غرب ایجاد گردد که ملک یوحنا احتمالا یک مسیحی مغولی است (بیانی،۱۳۷۵: ۱/ ۱۷۷) بارکهاوزن می نویسد:« در دشتِ

---

٦ – نسطوریان به پیروان نسطوریوس اسقف قسطنطنیه اطلاق می‌شوند آنان در سدۀ پنجم میلادی به دلیل تأکید بر جنبه‌های انسانی طبیعت مسیح به‌جای جنبۀ الهی او، بدعت‌گذار معرفی شده بودند (مایر، ۱۳۷۱: ۳۰٦) پاپ مسیحیان نسطوری را به نام ملحد از اروپا بیرون رانده و تکفیر کرد (بارکهاوزن، ۱۳٤٦: ۱۸۰) ادس و نصیبین واقع در ایران محل نشر باورهای نسطوری بود در سدۀ ششم میلادی این مذهب به ترکستان غربی و بعدها در سدۀ هفتم و هشتم میلادی به ترکستان شرقی و چین نفوذ یافت در آغاز سدۀ یازدهم میلادی این فرقه پیروانی را در میان مغولان بیابان‌گرد پیدا نمود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۸)

گوبی غربی نیز دولتی عشایری دیگر زیر فرمان سرداران نصرانی تشکیل یافت و این دولت معروف یوحنای کشیش است که نام و آوازه اش به گوش اروپاییان نیز رسیده بود » (بارکهاوزن ، ۱۳٤٦ : ۲۷)

باوجود تصور حضور ملک یوحنا در مغولستان برخی از مسیحیان گمان می‌کردند که این کشیش صلیبی همان گورخان[۷] نسطوری است (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۸) ساندرز می‌نویسد: «در غرب پیچید و به دنیای مسیحیت لاتین رسید که قشون‌های صلیبیون به سال ۱۱٤٤ میلادی نزدیک بود از قلعهٔ ادسا رانده شود؛ شکست مسلمانان مایهٔ امیدواری شد که اتحادیه‌ای بر ضد مسلمانان در آسیا ظهور کند و رهبر آن گورخان بود» (ساندرز، ۱۳٦۳: ٤۷). گروسه معتقد است نسطوری شدن گورخان و اسامی خاندان سلطنتی کرائیت باعث شد که داستان ژان راهب (ملک یوحنا) در میان مغولها پدید آید (گروسه،۱۳٦۵ :۳۱۳) .البته برخی معتقد هستند که گورخان در ظاهر مسیحی، و زیرکانه خود را به نام ملک یوحنا جا زده بود (ساندرز، ۱۳٦۳: ٤۷) هرچند گورخان یک مسیحی بود و عده‌ای گمان می‌کردند که وی یک صلیبی در جنگ علیه مسلمانان است. اما این موضوع که واقعاً گورخان، ملک یوحنای کشیش باشد در میان مسیحیان با شک و تردید همراه بود برخی از مسیحیان اروپا، اونگ خان[۸] را همان ملک یوحنای مسیحی می‌دانستند (ابن عبر، ۱۳۷۷: ۳۱٤؛لمب، ۱۳۷۷: ۲۰۰) مارکوپولو در این باره می‌نویسد: «اونگ خان به‌زعم بعضی‌ها در نزد ما همان جان کشیش است» (پولو،۱۳۵۰: ۸۱) البته این گمانه‌زنی‌ها با نامه‌ای که گفته می‌شد از آن ملک یوحنا است و در اروپا دست‌به‌دست می‌شد در تعارض بود. چرا که در این نامه ملک یوحنا فرمانروای سه هند بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۹)

صرف‌نظر از تضادها و تناقضاتی که در مورد جغرافیا و سرزمینی که ملک یوحنا از آن ظهور کرده بود، وجود دارد. این داستان افسانه‌ای توانست دستاویزی برای توجه مسیحیان اروپایی به جنگ‌های صلیبی گردد. در واقع سران اروپایی تلاش کردند با بهره‌برداری از این داستان، نگاه مسیحیان را همچنان معطوف به سرزمین‌های شرقی نگه دارند. رؤیای شکست اسلام و جبران ناکامی‌های مسیحیان در جنگ‌های صلیبی به‌گونه‌ای بود که

---

۷ – گورخان به معنای فرمانروای جهان، لقب یکی از فرمانروایان نسطوری ترکستان در قرن سیزدهم بود وی توانست سرزمین‌های قراخانیان را تابع خود نماید و سرانجام با حمله به ماوراءالنهر جلوی پیشرفت اسلام در آسیای مرکزی را گرفت این اقدام گورخان توسط مسیحیان نسطوری با اغراق بسیار در دنیای مسیحیت بازتاب یافت (ساندرز،۱۳٦۳: ٤۷ ؛ اشپولر،۱۳٦۵ : ۲۵)

۸ – وانگ لقب چینی طغرل یکی از حاکمان آسیای میانه است مسیحی بودن وی سبب شد تا در برخی از مناطق اروپا به تام پدر ژان (ملک یوحنا) شناخته شود. وانگ خان در کنار چنگیزخان قبایل زیادی را در نواحی میان آلتایی تا خانگان مطیع خود کرد. اما سرانجام میان وانگ خان و چنگیزخان اختلاف ایجاد شد و حکومت وی به دست چنگیزخان از بین رفت (ساندرز،۱۳٦۳: ۵۸ – ۵۷)

غربیان برای تفسیر و توضیح اتفاقاتی که در شرق صورت می‌گرفت به هر گونه توجیهی دست می‌زدند. برخی معتقد هستند از نظر مسیحیان هرکس با اسلام درافتد بی‌گمان باید مسیحی باشد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۹).

خیال‌پردازی ناشی از وجود یک کشیش مسیحی نجات‌بخش در شرق، همواره ذهنیت انسان اروپایی آن دوران را معطوف به این باور کرده بود که سرانجام قدرتی از شرق دور علیه شرق همسایه و نزدیک به پا خواهد خاست. هویت جغرافیایی و قومی ملک یوحنا برای غربیان چندان اهمیت نداشت نکته قابل‌توجه رسالتی بود که این ناجی عالم مسیحیت باید انجام می‌داد. به‌عبارت‌دیگر برای انسان اروپایی آن زمان چندان مهم نبود که یوحنای کشیش نایمانی باشد یا کرائیتی (بارتولد، ۱۳۵۱: ۸۰) ؛آنها به رؤیایی که قرار است توسط ملک یوحنا و یا نوادگانش محقق شود، توجه داشتند. حتی سرزمینی که ملک یوحنا در آن حضور داشت نیز چندان موردتوجه نبود. به‌هرحال تا مدت‌ها برخی‌ها بر این باور بودند که کشیش یوحنا باید از مردم کرانه‌های مالابار باشد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۵). در چنین شرایط آشفتهٔ تاریخی و بحران مذهبی اروپایی در مواجهه با اسلام و عدم توفیق خاصی در جنگ‌های صلیبی،چنگیزخان مغول ظهور کرد . وی توانست در مدت کوتاهی مناطق وسیعی در شرق را فتح نماید. حمله به سرزمین‌های اسلامی و فتوحاتی که در شرق دنیای اسلام صورت گرفت، موجب گردید دنیای مسیحیت تصور کنند که خان مغول احتمالاً از نوادگان ملک یوحنای صلیبی است. این موضوع تأثیر بسیار زیادی در رویکرد سیاسی و بینشی اروپایی نسبت به مغولان داشت.

۲-نقش افسانهٔ ملک یوحنا در بازتاب حملات مغول در اروپا

شرح فتوحات چنگیزخان در سرزمین‌های اسلامی از طریق مسیحیان نسطوری به شکل مبهم و مرموز به مردم اروپا رسید (ودر فورد، ۱٤۰۲: ۲۵۱). در واقع نسطوریان سوریه و آسیای صغیر در سده‌های یازدهم و دوازدهم به‌واسطهٔ تجارت و وجود یک شبکهٔ کلیسایی معلومات نسبتاً خوبی از مغولستان داشتند (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۸) بارتولد می‌نویسد: «اخباری که از مؤلفین شامی و سیاحان اروپایی به دست ما رسیده ما را وادار می‌کند تصور کنیم که مروجین عمدهٔ مسیحیت در مشرق‌زمین نسطوریان بودند» (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۵)؛ لذا موثق‌ترین مرجع نشر اخبار شرق برای غربیان محسوب می‌شدند البته آنها اطلاعات دقیقی در مورد ماهیت سیاسی و دینی حکومت مغول‌ها به اروپا مخابره نمی‌کردند، بلکه هر چه گفته می‌شد، یک‌رشته اخبار مسرت‌بخش از حملات مغول‌ها در سرزمین‌های اسلامی بود، بدون آنکه ماهیت خونبار و مملو از خشونت، این حملات به‌خوبی برای جوامع اروپایی تشریح گردد.

همین اخبار ناقص و مبهم و گاه اغراق‌آمیز باعث شد که آن دسته از داستان‌هایی که در باره وجود ملک یوحنا در سرزمین‌های مغولستان بود، از میان انبوه روایت‌های موجود در مورد این شخصیت افسانه‌ای منسوب به کشیش صلیبی موردتوجه بیشتری قرار گیرد. در واقع هنگامی که اخبار فتوحات مغولان در شرق سرزمین‌های اسلامی به اروپا رسید، تصور آنکه احتمالاً فرمانده نبرد علیه مسلمانان، شاه داوود از نوادگان ملک یوحنا است، قوت گرفت (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۹) مسیحیان نسطوری که در میان قبایل مغول حضور داشتند هنگام برخورد با مسافران و بازرگانان اروپایی به این شایعه که مغولان از نسل ملک یوحنا هستند، دامن زدند (هال، ۱۳۸۲: ۹۸). جوامع مسیحی اروپا در مورد فتوحات مغول به میزان زیادی تحت‌تأثیر اخبار مسیحیان نسطوری قرار گرفتند. برخی معتقدند علت آنکه مسیحیان نسطوری اخبار ملک داوود نوادۀ ملک یوحنا را در شرق منتشر کردند، ایجاد ترس و اضطراب در میان امیران مسلمان سوریه و مصر بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۳۵) به‌هرحال هدف نسطوریان از احیاء داستان ملک یوحنا در غرب هر چه باشد، این داستان تأثیر بسزایی در عدم شناخت درست اروپاییان از مغولان داشت. در واقع احیاء افسانۀ ملک یوحنا در خلال فتوحات مغولان در سرزمین‌های اسلامی باعث شد که غرب در شادی و هیجان ناشی از ویرانی سرزمین‌های اسلامی نتواند به شناخت درستی از این قدرت نوظهور شرقی دست یابد؛ بلکه آن را در افسانه ملک یوحنا فرو پیچید. این موضوع بعدها در مناسبات سیاسی بین اروپایی‌ها و مغولان به یک معضل اساسی مبدل گردید. برخی از اروپایی‌ها کوچلک خان[۹] را همان ملک داود می‌دانستند (ویلتس، ۱۳۵۳: ٥٤). شناخت شخصیت واقعی نوادۀ ملک یوحنا نیز برای غربی‌ها تبدیل به یک مسئلۀ بغرنج دیگر شده بود. برخی معتقد هستند اطلاعات مبهمی که نسطوریان مسیحی در مورد داستان ملک یوحنا و نوادۀ او به غربیان دادند به موضوع لاینحلی در اروپا تبدیل شد (بارتولد، ۱۳۵۱: ۸۰) .

غربیان با اثرپذیری از داستان ملک یوحنا و فتوحات مغولان در سرزمین‌های اسلامی گمان می‌کردند چنگیزخان مغول همان رسالت ملک یوحنای صلیبی را دارد؛ بنابراین آنان دوست داشتند از ظرفیت‌های نظامی مغولان برای جنگ‌های صلیبی به نفع خود استفاده نمایند (مایر، ۱۳۷۱: ۳۰٦) در واقع اروپاییها به واسطۀ اطلاعات ناقصی که از مسیحیان نسطوری دریافت کرده بودند(ویلتس، ۱۳۵۳: ١٤) تصور می کردند که تنها دشمن اصلی مغولان ، همین دنیای اسلام است و آنان می توانند یک اتحاد عمیق سیاسی را علیه دنیای اسلام ایجاد نمایند. مسیحیان اروپایی با تکیه بر داستان ملک یوحنای مسیحی تلاش می کردند که اشتراکاتی را بین

---

۹ – کوچلک خان یکی از امیران نایمان بود که به‌واسطۀ همسرش به مسیحیت نسطوری باورمند شد وی یک قتل و عام تاریخی را در کاشغر علیه مسلمانان و غیرمسیحیان انجام داد این فاجعه تا آن زمان در آسیای میانه بی‌سابقه بود (بارکهاوزن، ١٣٤٦: ٨٧)

صلیب مقدس با درفش و توق چنگیزخانی به وجود آورند تا با استفاده از آن برای همیشه دنیای اسلام را از بین ببرند (گروسه ،۱۳٦٥: ٥٨٧). با وجود چنین تصوری که مسیحیان نسطوری برای اروپاییان ایجاد کرده بودند پرسش هایی که به متبادر میشود آن است که آیا مغولان واقعا همان رسالت ملک یوحنا را برای خود قائل بودند ؟ و نیز آیا غرب می توانست به مغولان با عنوان یک شریک قابل اعتماد نگاه کند ؟

هنگامی که سرزمین‌های اسلامی یکی پس از دیگری به محل قتل و غارت لشکر مغول تبدیل شد، اروپاییان تصور می‌کردند که می‌توانند جنگ‌های صلیبی را با کمک شمشیر مغولی به سرانجام مطلوب و نتیجه‌بخشی برای خود به اتمام برسانند (گروسه،۱۳٦٥: ٥٨٢؛مایر، ۱۳۷۱: ۳۰٦) اما چندی نگذشت که لشکر مغول به سرزمین‌های مسیحیان شرقی حمله نمود و همان قتل و غارت‌هایی که در سرزمین‌های اسلامی صورت گرفت در ممالک مسیحیان شرقی تکرار گردید (اشپولر، ۱۳٦٥: ۳۹؛رانسیمان، ۳:۱۳۷۱/ ۲۲۹؛ ساندرز، ۱۳٦۳: ٦٤؛ گروسه، ۱۳٦٥: ٤۳۱). علی‌رغم ادعای اروپاییان نسبت به کمک به مسیحیان مشرق‌زمین در جنگ‌های صلیبی، آنان در برابر حملهٔ مغولان نسبت به هم‌کیشان خود بی‌اعتنا بودند. در واقع مسیحیان قفقاز بسیار زود فهمیدند که لشکر مغول نمی‌تواند همان سپاه نوادهٔ ملک یوحنای کشیش باشد؛ لذا ازآنجایی‌که نسبت به کمک مسیحیان اروپا ناامید بودند تلاش کردند خود با ایجاد یک مناسبات سیاسی با مغولان مانع از تکرار فجایع قبلی گردند (کارپن، ۱۳٦۳: ٦۳؛ساندرز، ۱۳٦۳: ۸۰-۷۹)

بعد از مرگ چنگیزخان مغولان در سال ۱۲۳۸ میلادی (٦۳٥هجری قمری) به شرق اروپا حمله بردند آنان در این لشکرکشی فاجعه بار،سرزمین های زیادی را با خاک یکسان نمودند(کارپن ، ۱۳٦۳ : ٦۲ ؛ اشپولر،۱۳٦٥: ۲۳۰؛ویلتس ، ۱۳٥۳ : ٦۳؛ العقیقی ، ۱۳٦۹ : ۲ / ۷۷٤). در واقع لشکر مغول در شرق و مرکز اروپا در سال های ۱۲۳۷تا۱۲٤۲ میلادی (٦۳٤ تا ٦۳۹ هجری قمری) رخدادی را خلق کردند که تمام ذهنیت مسیحیان اروپایی نسبت به ارتباط داستان ملک یوحنا با سرزمین های مغولستان و آسیای مرکزی به هم خورد(ساندرز،۱۳٦۳: ۹۳؛ هال ، ۱۳۸۲ : ۹۸؛ ودر فورد ، ۱٤۰۲ : ۲٥٦) شاید اگر لشکر مغول به یکباره در سال ۱۲٤۲ میلادی (٦۳۹ هجری قمری) تصمیم بر توقف فتوحات خود در اروپا نمی گرفت، فاجعه ای به مراتب بدتر از آنچه در سرزمین های اسلامی اتفاق افتاد،برای اروپاییان رقم میخورد(مورگان ، ۱۳۷۱ : ۲۱٥؛ بارکهاوزن ، ۱۳٤٦ : ۱۷٤) . این حملات باعث شد که غرب نسبت به این قدرت نوظهور شرقی واقع بینانه تر برخورد کند.پس از آن پاپ و سران اروپایی در سال ۱۲٤٥میلادی (٦٤۲ هجری قمری) هیئت هایی را برای شناخت بهتر مغولان و نیز دعوت امپراتور مغول به مسیحیت و ایجاد اتحاد سازنده علیه دنیای اسلام به

مشرق زمین و پایتخت مغولان گسیل کردند (ویلتس ، ۱۳۵۳ : ۷۸ ؛ بارتولد ، ۱۳۵۱ : ۸۰ ؛ ساندرز ،۱۳٦۳: ۹۳) البته نتیجهٔ این سفارت ها به علت آنکه غربیان نتوانستند از داستان های اغراق آمیز نسطوریان مسیحی رها شوند چندان قابل توجه نبود و آنچه مغولان و خانات آن بدان می اندیشیدند با آن ذهنیت تاریخی که اروپاییان برای خود ساخته بودند همخوانی نداشت(بارتولد ، ۱۳۵۱ : ۸۲ ؛ بارکهاوزن ، ۱۳٤٦ : ۱۸۹) لذا مناسبات اروپاییان با مغولان و ایجاد اتحاد علیه مسلمانان تا پایان عمر امپراتوری مغول بی سرانجام باقی ماند (بارتولد ، ۱۳۵۱ : ۸۲ ؛ بارکر ، ۱۳۹٦ : ۱٦۰؛ هال ، ۱۳۸۲ : ۱۰٦)

به‌طورکلی نتایج گزارش‌های سفارت‌های اروپایی نشان می‌دهد که مغولان در مناسبات خود با اروپاییان دست بالا را داشتند و هر گونه مناسباتی را منوط به پذیرفتن رسم ایلی از سوی پاپ و سران اروپایی می‌دانستند (بارکهاوزن، ۱۳٤٦: ۱۷۳ – ۱۷٤؛ هال، ۱۳۸۲: ۱۰۳؛ مایر، ۱۳۷۱: ۳۱۰). ازاین‌رو آنان حتی پیشنهادهای پاپ اینوسان چهارم و لویی نهم مبنی بر ایمان‌آوردن به دین مسیحیت را به استهزاء و تمسخر می‌گرفتند (بارکهاوزن، ۱۳٤٦: ۱۸۰؛ ودر فورد، ۱٤۰۲: ۲۸٤). با این بی‌اقبالی مغولی نسبت به مسیحیت از سوی گیوک و منگوقاآن، آن رسالتی که اروپاییان به تأسی از داستان ملک یوحنا برای چنگیزخان و فرزندان و نوادگان، وی قائل بودند یک توهم تاریخی بود که سنخیتی با رویکردهای مغولان نسبت به جهان اطراف خود را نداشت (کارپن، ۱۳٦۳: ۷۳؛ گروسه، ۱۳٦۵: ٤٤٦؛ اشپولر، ۱۳٦۵: ۲٤۱؛مورگان، ۱۳۷۳: ۸۱)؛ بنابراین شاید اگر در چنین شرایطی که چنگیزخان ظهور کرده بود ملک یوحنایی وجود داشت و به‌مانند سلطان خوارزم گردن‌کشی و تمرد می‌کرد، سرنوشتی بهتر از خوارزمشاه را پیدا نمی‌کرد. به‌هرحال منظومهٔ فکری چنگیزخان و جانشینانش موضوعی بود که اروپاییان معاصر با وی از درک آن عاجز بودند آنان فقط عملکرد آنی و موقت حملات مغولان علیه دنیای اسلام را معیار توصیفات و شناخت خود قرار داده بودند.

هیئت‌های فرستاده شده از سوی غرب به نزد مغولان در کنار مأموریت خود تلاش می‌کردند که داستان ملک یوحنای صلیبی را از مسیحیان نسطوری در سرزمین‌های مغولی جویا بشوند. آنان با روایت‌های بسیار متناقض و متضاد دربارهٔ شخصیت ملک یوحنا و جغرافیای حضور این کشیش صلیبی (خیالی) روبرو می‌شدند (بارکهاوزن، ۱۳٤٦ : ۱۷۳؛ ساندرز،۱۳٦۳: ۹۸) بارتولد می‌نویسد: «مبلغین و سفرای اروپایی که به بارگاه مغول‌ها اعزام شده بودند خبر آوردند که سلطنت یوحنای کشیش و پسرش داوود به دست مغول‌ها و قبل از حملهٔ آنها به کشورهای مسلمان کن‌فیکون شده است» (بارتولد، ۱۳۵۱: ۷۹ –۸۰)نکته‌ای که در سفارت‌های اروپاییان به نزد مغولان مشخص گردید آن بود که رویکرد سیاسی و دینی امپراتوران مغولی با تصورات ذهنی

پاپ و سران مسیحی در اروپا همخوانی نداشت. این موضوع باعث شد اروپاییان به این نکته برسند که اعتمادکردن به این قدرت ویرانگر در مشرق‌زمین کار عبث و بیهوده‌ای است (اشپولر، ۱۳٦۵: ۲۰۵)؛ لذا حتی زمانی که ایلخانان مغولی پیشنهاد ایجاد اتحاد علیه ممالیک مصر را به حاکمان اروپایی دادند بااحتیاط و محافظه‌کاری خاصی به این موضوع توجه کردند (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱٤۵؛ ساندرز، ۱۳٦۳: ۱۲۹؛ لین، ۱۳۸۹: ۷۹). به‌طورکلی بعد از مشاهدهٔ رفتارهای مغولان در عرصه‌های نظامی و سیاسی نسبت به مسیحیان اروپایی، غرب از این قدرت شرقی بسیار بیمناک گردید به‌عبارت‌دیگر وقتی اروپاییان با مشاهدهٔ رویکرد سیاسی مغولان فهمیدند که آنان از نسل ملک یوحنای منجی نیستند جغرافیای ذهنی خود را نسبت به این کشیش صلیبی تغییر دادند. روایت دیگری به صحن جامعهٔ اروپایی آمد آنان این بار ملک یوحنا را یک صلیبی دانستند که در اتیوپی ظهور کرده است (گروسه، ۱۳٦۵: ۳۱۳؛ ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۸۱؛Bar-Ilan,1995:2).

به‌هرحال این نشان از آن داشت که اروپای مسیحی نیاز داشت تا چنین مطالب امیدبخشی برای تبلیغ و گرم نگه‌داشتن تنور مقابله با شرق و بخصوص اسلام را زنده نگه دارد. در واقع عدهٔ زیادی از مسیحیان به این باور رسیدند که شخصیت ملک یوحنا ارتباطی با جغرافیای آسیای مرکزی ندارد و آن اطلاعات و معلوماتی که مسیحیان نسطوری به غربی‌ها در مورد این کشیش نجات‌بخش داده بودند (ویلتس، ۱۳۵۳: ٤۵) ؛ با واقعیت همخوانی ندارد.داستان ملک یوحنا تأثیر زیادی در باورهای مسیحیان نسبت به مغولان گذاشت به‌خصوص زمانی که آنان همچون لشکر صلیبیون به سرزمین‌های اسلامی حمله بردند. برخی معتقدند افسانهٔ ژان کشیش (ملک یوحنا) انتظار مسیحی کردن نیمی از دنیای شناخته‌شدهٔ آن روزگار را زنده نگه می‌داشت (ساندرز،۱۳٦۳: ۱۷٤) هر چند اروپاییان بعدها متوجه شدند که مغولان از نسل ملک یوحنا نیستند؛ اما این افسانه دهه‌ها، تأثیر مستقیم در بخشی از رویکرد سیاسی غرب نسبت به مغولان داشت.

به‌طورکلی یکی از مصائب دنیای مسیحیت آن بود که مغولان را در ابتدا به‌سان یک تمدنی می‌دیدند که در برخوردها و سیاست‌های نظامی خود بر اساس قواعد و اصول ازپیش‌طراحی‌شده عمل می‌کنند. درحالی‌که تصمیمات مغول‌ها برای حمله به سرزمین‌های دیگر تابعی بود از شرایط و اتفاقات خاصی که در آن لحظه قرار می‌گرفتند (اشپولر،۱۳٦۵: ۲۳۱) به‌عبارت‌دیگر حکومت مغول‌ها یک ایدئولوژی با اهداف بلندمدت نبود که بتوان شناخت و معارف درستی از رویکردهای سیاسی و نظامی آن داشت؛ بنابراین هرچند قتل و غارتی که در سرزمین‌های اسلامی پدید آمد و برای مدت کوتاهی لشکر صلیبی را شادمان و فرحناک کرد، لیکن در

بلندمدت مشخص شد که اروپاییان باید از زیر خاکستر و بقایای ویرانه‌های شرق به دنبال نوادگان ملک یوحنای کشیش برای مقابله با فرزندان و نوادگان چنگیز باشند.

نتیجه

بعد از آنکه اروپاییان در جنگ‌های صلیبی توفیقات مدنظر را به دست نیاوردند داستان‌های حماسی از فرماندهان جنگ‌های صلیبی در اروپا انتشار یافت. یکی از این داستان‌ها افسانهٔ ملک یوحنا بود این افسانه باوجودآنکه بسیار مبهم و مرموز به اروپا رسید تا دهه‌ها تأثیر زیادی بر نگاه اروپاییان نسبت به مغولان گذاشت. از آنجایی که منشأ داستان ساختگی ملک یوحنا از میان مسیحیان نسطوری مغولی بود تصور مسیحیان غربی این بود که مغولان از نوادگان ملک یوحنا هستند. این امر با فتوحات مغولان در سرزمین‌های اسلامی برای مسیحیان اروپایی باورپذیرتر از گذشته شد. اما با اقدامات بعدی مغولان از جمله قتل و غارتی که در سرزمین‌های مسیحیان شرقی صورت دادند و نیز حملاتی که مغولان به مناطق شرق و مرکز اروپا انجام دادند، باعث شد تا نگاه صلیبی ها اروپایی نسبت به مغولان با شک و تردید مواجه گردد. باوجود این شک، آنان نتوانستند خود را به طور کامل از ذهنیت داستان ملک یوحنا رها کنند. البته غرب نهایتاً به این نتیجه رسید که مغولان نمی‌توانند از نوادگان ملک یوحنا باشند و داستان حضور ملک یوحنا ارتباطی با مغولستان ندارد؛ بلکه این موضوع به شکل غیرواقعی و با اغراق کامل توسط مسیحیان نسطوری به اروپا رسیده بود.

منابع

آگوییاوو، ا. و دنسکوی، گ. م. (۱۳۵۷)، تاریخ سده‌های میانه، ترجمهٔ رحیم رئیس نیا، تهران: پیام.

ابراهیم حسن، حسن (۱۳٦۲)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.

ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۷۱)، تاریخ کامل، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی.

ابن خلدون (۱۳٦۳)، العبر، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن خیاط، ابو عمرو بن ابی هریره لیثی (۱۹٦۷)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بی‌نام.

ابن عبری (۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۳۷۲)، الفتوح، ترجمهٔ محمد بن احمد مستوفی هروی، به اهتمام غلام رضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ابن قلانسی (۱٤۰۳)، ذیل تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکار، دمشق: دار احسان.

ابن هشام (بی تا)، السیره النبویه؛ محقق مصطفی السقا وابرهیم الابیاری، بیروت: دارالمعرفه

اشپولر، برتولد (۱۳٦٥)، تاریخ مغول در ایران، ترجمهٔ محمود میر آفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.

اشپولر، برتولد (۱۳٦۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمهٔجوادفلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.

العقیقی، نجیب (۱۳٦۹)، شرق‌شناسان، ترجمهٔحمید رضا شیخی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

بارتولد، واسیلی (۱۳۵۱)، خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمهٔ حمزه سر دادور، تهران: ابن‌سینا.

بارکهاوزن، یواخیم (۱۳٤٦)، امپراطوری زرد (چنگیزخان و فرزندانش)، ترجمهٔ اردشیر نیک‌پور، تهران: زوار.

بارکر، ارنست (۱۳۹٦)، جنگ های صلیبی، ترجمهٔ عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبائی، تهران: انتشارات کویر

یروکلمان، کارل (۱۳٤٦)، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمهٔ هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳٦۷)، فتوح البلدان، ترجمهٔ محمد توکل، تهرن: نشر نقره.

بیانی، شیرین (۱۳۷۵)، دین ودلت در ایران عهد مغول، تهران: نشر مرکز نشردانشگاهی.

تاریخ آل سلجوق در آناطولی (۱۳٦۹)، مقدمه و تصحیح و تعلیقات نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب.

پالمر، روزول، رابرت (۱۳۸٦)، تاریخ جهان نو، ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر

پولو،مارکو (۱۳۵۰)، سفرنامهٔ مارکوپولو، ترجمهٔحبیب الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

یگولوسکایا (۱۳۹٤)، ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی، ترجمهٔ کامبیز میربهاءتهران: ققنوس.

حنبلی، مجیرالدین (۱۳٦۸)الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخیل، قم: منشورات رضی.

دورانت، ویل (۱۳٦۷)، تاریخ‌تمدن، ترجمهٔ ابوالقاسم طاهری، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

رانسیمان، استیون (۱۳۷۱)، جنگ‌های صلیبی، ترجمهٔ منوچهر کاشف، تهران: علمی فرهنگی.

ساندرز، ج. ج (۱۳٦۳)، تاریخ فتوحات مغول، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت، تهران: امیر کبیر.

شارتری، فوشه (۱۳۹۳)، تاریخ حاجیان بیت‌المقدس - تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی، ترجمهٔ زهرا نظری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

طبری، محمد بن جریری (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳)، دولت عباسیان، ترجمهٔحجت الله جودکی، تهران: حوزه و دانشگاه.

کارپن، پلان (۱۳٦۳)، سفرنامهٔ پلان کارپن، ترجمهٔ ولی‌الله شادان، تهران: فرهنگسرا

کاسمینسکی، یوگنی آلکسی یویچ و همکاران (۱۳۸٦)، تاریخ قرون‌وسطی، ترجمهٔ محمدباقر مؤمنی و صادق انصاری، تهران: فردوس

گامبریچ، ارنست (۱۳۹۰)، تاریخ جهان، ترجمهٔ علی رامین، تهران: نشر نی.

گروسه، رنه (۱۳٦۵)، امپراتوری صحرانوردان، مترجم عبدالحسین میکده، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

لمب، هارولد (۱۳۷۷)، چنگیزخان، ترجمهٔ رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.

لوبون، گوستاو (۱۳۸۷)، تمدن اسلام و عرب، ترجمهٔ سید هاشم رسولی محلاتی (حسینی)، تهران: کتابچی.

لین، جورج(۱۳۸۹)، ایران در اوایل عهد ایلخانان، ترجمهٔ ابوالفضل رضوی، تهران: امیر کبیر.

مادن، توماس (۱۳۸۹)، نگاهی نو و فشرده به تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمهٔ عبدالله ناصری طاهری و اکرم کرمی، تهران: علم

مایر، هانس ابرهارد (۱۳۷۱)، جنگ های صلیبی، ترجمهٔ عبدالحسین شاهکار، شیراز: دانشگاه شیراز

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۷)، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مورگان، دیوید(۱۳۷۱)، مغول‌ها، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران:نشر مرکز.

مورگان ، دیوید (۱۳۷۳) ، ایران در قرون وسطی ، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: طرح نو

هال، مری (۱۳۸۲)، امپراتوری مغول، ترجمهٔ نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس

وات، مونتگمری (۱۳٦۱)، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

ودر فورد، جک (۱٤۰۲) چنگیزخان و ساختن دنیای مدرن، ترجمهٔ سیما سلطانی، تهران: نشر مرکز

ویلتس، دوراکه (۱۳۵۳)، سفیران پاپ در دربار خانان مغول، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات خوارزمی.

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمهٔمحمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی وفرهنگی.

Bar-Ilan, Meir (1995), "Prester John: Fiction and History": In History of European Ideas, vol. 20

Dignas, B.& Winter,E(2007**),Rome and Persia in Late Antique. Neighbours and Rivals,** Cambridge: Cambridge UniversityPress.

Mabilat , Claire (2006) , **British orientalism and representations of music in the long nineteenth century ideas of music , otherness , sexuality and gender in the popular arts** , Durham theses : Durham University.

Page , Gill (2008) , **Being Byzantine Greek identity before the Ottomans** :Cambridge University Press.

Sebeos(1999) ,**The Armenian History Attributed to Sebeos**, tr. with notes R. W Thomson, Liverpool: Liverpool University Press.

Sharrock , A .& Ash , Rh (2002) , **" Herodotus" , in Fifty Key Classical Authors , Routledge : Taylor & Francis Group** , London and New York , p . 57 – 64 .

Tritle , Lawrence A (2006) , **"Warfare in Herodotus", in The Cambridge Companion to Herodotus** , edited by C . Dewald & J . Marincola , Cambridge University Press : Cambridge , p . 209 – 223 .

The Legend of King John (Prester John) in Europe and Its Role in the European Approach to the Mongol Dynasty

Abstract

After the Europeans failed to achieve their political and religious objectives in the Crusades against the Islamic world, the Crusades transformed into an idealistic narrative aimed at confronting the Islamic world. One of the most prominent of these narratives was the legend of King John, a savior in the East. In this legend, King John is depicted as a Christian monk who emerges from the East and delivers Christians from the hands of Muslims.This legendary tale coincided with the appearance of the Mongols and had a profound impact on European societies. Initially, the Christian world believed that the Mongols were descendants of King John, and thus, were Christian allies. The key question is under what circumstances the legend of King John was introduced and how it shaped European relations with the Mongols, particularly after the failure of the Crusades.This research will focus on a descriptive and analytical approach. Preliminary findings indicate that Europeans, influenced by the legend of King John, misperceived the Mongols and, as a result, faced significant political challenges in their relations with the Mongols.

Keywords: King John, Christianity, Europeans, Mongols, Islam